



مرکز مدیریت حوزه های علمیه خراسان

مدرسه علمیه زهراى اطهر (سلام الله عليها)

شهرستان مشهد

مقاله برگرفته از تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

" دوست یابی از دیدگاه آیات و روایات "

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین سید جواد پنجتینیان

پژوهشگر:

فاطمه عسکر آبادی

پاییز 1390

چکیده

در دین اسلام، مبانی یک انسان با ایمان برای دوستی و نیز صفات افراد لایق و نالایق دوستی ذکر شده است. این دستورات می تواند آیین نامه ی دوستی باشد و ما اجمالاً آن ویژگی ها و نیز عوامل جذب دوست، که از کتب روایی شیعه جمع آوری شده را ذکر کرده ایم .

کسانی که شایسته ی دوستی هستند عبارتند از انسان های: همفکر ، قدر شناس ، بردبار ، یاری کننده در طاعت پروردگار ، متدین ، پایبند به دوستی ، توجه کننده به نیازها ، مفید ، آینه صفت ، متعادل ، زینتِ دوست ، عاقل ، نصیحت کننده ، عالم ، مؤمن .

کسانی که لایق دوستی نیستند نیز عبارتند از: کافر و مشرک ، فاسق ، جاهل ، دروغگو ، شرور ، چاپلوس ، حسود ، بی وفا ، بی مبالات ، فرومایه و بدنام ، عیب جو ، دنیا پرست ، حق شناس ، خائن ، سخن چین.

قبل از دوستی باید دوست را شناخت و او را آزمایش کرد و هنگامی که او را برای دوستی انتخاب کردیم ، احتیاط در رفتار و گفتار را در پیش گیریم. اگر کسی به خاطر طمع و یا از روی نفاق و دو رویی با کسی دوستی کند مأیوس خواهد شد

واژگان کلیدی: دوست ، دوستی ، صدیق ، جلیس ، اصلاح ، ایمان ، المودة ، الإخوان

فهرست مطالب

4.....مقدمه

فصل اول :

5.....الف) دوستی چیست؟

5.....ب: اسلام و زندگی اجتماعی

5.....ج: اثر پذیری نفس

5.....د: اسلام و دوستی

6.....هـ: گرایش انسان به همנוغان خود

6.....و : تأثیر دوست در شخصیت انسان

7.....ز : دوستان و مسأله ی آخرت

فصل دوم:

8.....اصول ومبانی گزینش دوستان

8.....الف : دوستی برای خدا باشد

8.....ب: دوستی در راستای اصلاح و کمال باشد

فصل سوم:

8.....با چه کسی دوستی کنیم؟

فصل چهارم:

12.....چه کسانی شایسته ی دوستی نیستند؟

فصل پنجم:

14.....بایدهای دوست یابی

فصل ششم:

14.....نبایدهای دوست یابی

15.....نتیجه

16.....پی نوشت ها

مقدمه:

از آنجایی که لازمه ی هر تصمیم ، فکر کردن درباره ی ذات و عوارض آن تصمیم است و مسأله ی انتخاب دوست هم از این قاعده مستثنی نیست، لذا باید برای انتخاب یک دوست حقیقی، خوب درباره ی آن پژوهش کرد.

پر واضح است که اگر انتخاب دوست نا آگاهانه و یا بر پایه ی دنیا خواهی و هوس بازی و... باشد، ممکن است لطمات جبران ناپذیری را به انسان وارد کند.

امام علی (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«خَذَرُ مُجَالَسَةَ قَرِينِ الشُّوْءِ فَإِنَّهُ يَهْلِكُ مُقَارَنَهُ وَ يُرْدِي مُصَاحَبَتَهُ» (1) «از همنشینی با دوست بد بپرهیز، زیرا او همنشین خود را هلاک می کند و یار خود را تباه می سازد.»

ما در این مقاله سعی داریم ابتدا از چیستی دوستی و دوستیابی بحث کرده و ویژگی ها و آثار دوست خوب و بد ؛ که از متن آیات قرآن کریم و روایات ائمه (علیهم السلام) استخراج شده را ذکر کنم.

فصل اوّل:

الف : دوستی چیست؟

دوستی یعنی یاری، رفاقت، محبت، عشق، نزدیکی، هم دلی، و هم دمی بین دونفر بدون وجود رابطه‌ی خویشاوندی سببی یا نسبی. دوستی، حالت و صفتی است و عمل دوست محبت، یگانگی، صداقت، مودت، خیرخواهی، رفاقت، یاری و مهر، خلاف خصومت و مقابل دشمنی و عداوت و بغض است. (2)

ب: اسلام و زندگی اجتماعی

دین مقدس اسلام از معدود ادیانی است که به زندگی اجتماعی اهمیت بسیاری بخشیده است و بیشتر دستورات این دین مبین، برای اصلاح امور اجتماعی بشر صادر شده است.

اصولاً در دین اسلام چیزی به نام گوشه نشینی و دوری کردن از مردم وجود ندارد. لذا حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «يَاكَ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ» (3)

البته باید توجه داشت که اخوت و دوستی، از محبت سرچشمه می گیرد و محبت است که به زندگی اجتماعی معنا می دهد و الا اگر همه ی مردم، در یک منزل بسیار بزرگ زندگی کنند اما محبت و مهرورزی بین آنها نباشد، نمی توان نام آن را زندگی اجتماعی گذاشت.

ج: اثر پذیری نفس:

چرا باید انسانها با هم رابطه داشته باشند؟

آیا بین دو انسان رابطه ای و رای دوستی و محبت وجود دارد؟ جواب اینست که ؛ آری. نفس، بسیار اثرپذیر است و این اثرپذیری [اکثر اوقات] بسیار ظریف و غیر قابل درک است به طوری که شاید انسان تا سال ها متوجه نشود که از دوست خود تأثیر گرفته است. مؤید این مطلب، حدیثی است از حضرت علی (علیه السلام) که فرمودند:

«لَا تَصْحَبِ الشَّرِيرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ شَرًّا وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ» (4) «با افراد شرور و فاسد دوستی و مصاحبت نداشته باش، زیرا ناخودآگاه طبیعت و نفس تو از طبع او بدی را می رباید در حالی که خود نیز از آن بی خبری.»

این نکته [اثرپذیر بودن نفس] زنگ خطری است برای کسانی که دوستی را یک تفریح و سرگرمی قلمداد می کنند و از تأثیرات دوستان و همنشینان در نفس خود غافلند.

د: اسلام و دوستی

در هیچ مکتبی به اندازه ی اسلام، به دوستی و محبت سفارش نشده است. اسلام را می توان، تنها مکتبی یاد کرد که اساس و پایه های دین را محبت و دوستی قرار داده و آن را یک ضرورت انکار ناپذیر قلمداد کرده است.

بارها در قرآن کریم، خداوند متعال، الفت و دوستی را به عنوان نعمت الهی نام برده و دشمنی و کینه را عذاب و شقاوت دانسته است. آیه ی 103 سوره ی مبارکه ی آل عمران، شاهد خوبی بر این مدّعاست:

«وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (5)

«و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل های شما الفت برقرار ساخت و به برکت نعمت او برادر شدید و شما بر لب حفره ای از آتش بودید. خدا شما را از آن نجات داد این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد شاید هدایت شوید.»

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «عَجَزُ النَّاسِ مِنْ عَجَزٍ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَأَعَجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مِنْ ظَفَرٍ بِهِ مِنْهُمْ» (6)

«عاجزترین مردم کسی است که از بدست آوردن دوست، عاجز باشد و از او عاجز تر کسی است که دوستان به دست آورده را از دست بدهد.»

می توان با ضمیمه کردن حدیث «الْعَجَزُ يُمْرُ الْهَلَكَةِ» (7) به حدیث فوق، اینگونه برداشت کرد که اگر کسی توانایی پیدا کردن دوست [البته دوست واقعی] را نداشته باشد، هلاک خواهد شد!

هز گرایش انسان به هموعان خود

انسان موجودی است اجتماعی که انس طلبی و عشق و علاقه به دیگران، از ضرورت های سازمان وجودی اوست: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (8) «و خداوند میان شما دوستی و مهربانی قرار داد»

البته باید توجه داشت که انسان ذاتاً، از کسی که به وی ضرر برساند، رویگردان است و این مسأله را باید از گرایش انسان به هموعان خود مستثنی دانست.

امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرماید: «جُبِلَتْ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ يَنْفَعُهَا وَبُغْضِ مَنْ أَضَرَ بِهَا» (9) «دلها بر محبت کسی آفریده شده که به صاحب دل نفع می رساند و به دشمنی کسی آفریده شده که زیان می رساند.»

و: تأثیر دوست در شخصیت انسان

تأثیر دوست در شکل گیری شخصیت انسان انکار ناپذیر است. در نگاهی گذرا به تاریخ، می توان دریافت که افراد بسیاری از راه دوست خوب، به سعادت ابدی رسیده اند و نیز افراد زیادی از راه دوست بد به شقاوت ابدی.

نقش دوست در شخصیت انسان به قدری نمایان است که حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

«فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ وَلَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانْظُرُوا إِلَى خُلَاطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَإِنْ كَانُوا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ فِي دِينِ اللَّهِ» (10)

هر گاه وضع کسی برای شما نامعلوم بود و دین او را نشناختید، به دوستانش نظر کنید، پس اگر آنها اهل دین و آیین خدا باشند، او نیز پیروی آیین خداست و اگر بر آیین خدا نباشند، او نیز بهره ای از آیین حق ندارد.

شیخ اجل، سعدی شیرازی، تأثیر دوست و همنشین را به گونه ای زیبا بیان می کند؛

گلی خوشبوی در حمام روزی	رسید از دست دلجویی به دستم
بدو گفتم که مُشکی یا عبیری	که از بوی دلاویز تو مستم؟
بگفتا من گلی ناچیز هستم	ولیکن مدّتی با گُل نشستم
کمال همنشین درمن اثر کرد	وگر نه من همان خاکم که هستم (11)

ز: دوستان و مسأله ی آخرت

بعد از دانستن میزان ارزش دوست خوب در دنیا و نقش دوست در شخصیت انسان، بهتر است بدانیم، تأثیر دوست در زندگی اخروی؛ اگر بیشتر از زندگی دنیوی نباشد، کمتر نیست! روایات متعددی نیز در این زمینه وجود دارد که به برخی از آنان اشاره می کنیم:

(1) دوست خوب توشه است.

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «عَلَيْكُمْ بِالْإِخْوَانِ، فَإِنَّهُمْ عُدَّةٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (12) «بر شما باد به انتخاب دوستان شایسته، زیرا آنها بهترین توشه اند در دنیا و آخرت.»

(2) کثرت دوستان خوب کارساز است.

پیامبر اعظم (صلوات الله علیه وآله) می فرمایند: «كثروا مِنَ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ رَبَّكُمْ حَيٌّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي أَنْ يُعَذِّبَ عَبْدَهُ بَيْنَ إِخْوَانِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (13) «دوست بسیار گیرید، زیرا خدای شما با حیا و بخشنده است و شرم دارد که روز رستاخیز، بنده ی خود را میان دوستانش عذاب کند.»

(3) انسان با دوست خود محشور می شود.

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «خُذْ مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ وَ خَالِلِ خَيْرِ خَلِيلٍ فَإِنَّ لِلْمَرْءِ مَا اكْتَسَبَ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مَعَ مَنْ أَحَبَّ» (14) «از شخص درستکار فراگیر و با بهترین دوست، دوستی کن. زیرا بهره ی انسان همان است که بدست آورده و در روز قیامت همراه کسی است که دوستش دارد.»

(4) دوستان هم شفاعت می کنند.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «سَتَكْثُرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ شَفَاعَةً» (15) «بر شمار دوستان خوب خود بیفزایید، زیرا هر مؤمنی دارای مقام شفاعت است.»

فصل دوم:

اصول و مبانی گزینش دوستان

الف: دوستی برای خدا باشد.

مولای متقیان، حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «خَيْرُ الْأَخْوَانِ مَنْ كَانَتْ فِي اللَّهِ مَوَدَّةٌ» (16)
 «بهترین دوستان کسی است که دوستی اش در راه خدا باشد.»
 و ایشان در جای دیگر می فرمایند: «لَا خَوَانَ فِي اللَّهِ تَعَالَى تَدُومُ مَوَدَّتُهُمْ لِدَوَامِ سَبَبِهَا» (17)
 «دوستی در راه خدا با دوام است به خاطر دوام سبب آن دوستی.»
ب: دوستی در راستای اصلاح و کمال باشد:

با نگاه اجمالی به سخنان بزرگان دین، به این نکته پی خواهیم برد که مسأله ی "اصلاح نفس" یکی از مهمترین سفارشات ایشان بوده و پیشوایان ما اهمیت زیادی برای این موضوع قائل بوده اند.
 مؤید کلام ما، جمله ی مشهور سیدالشهداء، حضرت امام حسین (علیه السلام) است که هدف از قیام و برپایی نهضت عاشورا را اینگونه بیان می کنند:
 «أَتَى لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًّا وَلَا بَطَرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَّتْ» (18)
 «...همانا من برای اصلاح امتّ جدّم قیام کردم.»
 امام علی (علیه السلام) در حدیثی می فرماید: «مَنْ أَبَانَ لَكَ عَيْبَكَ فَهُوَ وَدُودُكَ» (19) «هر که عیبت را برایت روشن کند، دوست توست.» و نیز امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:
 «حَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي» (20) «محبوب ترین دوستانم کسی است که عیبهایم را به من هدیه دهد.»

فصل سوم:

با چه کسی دوستی کنیم؟

الف: مؤمن

« لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ » (21)

افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند؛ و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلی از خدا گسسته می‌شود)؛ مگر اینکه از آنها بپرهیزد (و به خاطر هدف های مهمتری تقیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می‌دارد؛ و بازگشت (شما) به سوی خداست.

ب: عالم

در حدیثی عجیب و جالب توجه از پیامبر گرامی اسلام (صلوات الله علیه وآله) آمده است:

« مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَقْعُدُ سَاعَةً عِنْدَ الْعَالِمِ إِلَّا نَادَاهُ رَبُّهُ جَلَسْتَ إِلَيَّ حَبِيبِي وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَسْكِنَنَّكَ الْجَنَّةَ وَ لَا أُبَالِي » (22) هر مؤمنی که ساعتی کنار عالمی بنشیند خدایش او را ندا می‌دهد: کنار محبوب من نشستی؟! سوگند به عزّت و جلالم که تو را در بهشت مسکن می‌دهم و در نظرم مهم نیست. [امامت دیگران]

با اینکه در روایات، اثرات فراوانی را برای مصاحبت با علما ذکر کرده اند اما می‌توان حدیث امام علی (علیه السلام) را جامع تمام روایات این باب دانست.

ایشان می‌فرمایند: « جَالِسُ الْعُلَمَاءِ يَزِدُّ عِلْمَكَ وَ يَحْسُنُ أَدَبَكَ وَ تَزْكُ نَفْسُكَ » (23)

ج: نصیحت کننده

نصیحت سرزنش نیست، تحقیر نیست، خود بزرگ بینی و عجب نیست؛ بلکه بنا به فرموده ی رسول اکرم (صلوات الله علیه وآله)، نصیحت بهترین هدیه ای است که انسان می‌تواند به دوستش بدهد. ایشان می‌فرمایند: « مَا أَهْدَى الْمُسْلِمَ لِأَخِيهِ هَدِيَّةٌ أَفْضَلُ مِنْ كَلِمَةٍ حَكِيمَةٍ تَزِيدُهُ هُدًى أَوْ تَرُدُّهُ عَنْ رَدًى » (24) «هیچ مسلمانی به دوستش هدیه ای بهتر از این نداده است: حکمتی که هدایت گر باشد و یا حکمتی که نجات گر از هلاکت باشد.»

امیر مؤمنان، علی (علیه السلام) دوست راستین را اینگونه تعریف می‌کنند: «الصَّدِيقُ الصَّدُوقُ مَنْ نَصَحَكَ فِي عَيْيِكَ وَ...» (25) «دوست راستین کسی است که تو را برای عیب هایت، نصیحت کند.»
د: عاقل

در پیشگاه خداوند متعال، عقل دارای مقامی ارزنده و قابل توجه است، تا آنجا که پیامبر اسلام (صلوات الله علیه وآله) می‌فرمایند: «إِذَا بَلَغَكُمُ عَنْ رَجُلٍ حُسْنُ حَالٍ فَانْظُرُوا فِي حُسْنِ عَقْلِهِ فَإِنَّمَا يُجَازَى بِعَقْلِهِ» (26) «زمانی که خوبی حالِ مردی (مانند نماز و روزه ی بسیارش) به شما رسید، در خوبی عقلش بنگرید، زیرا به میزان عقلش پاداش می‌یابد.»

هـ: زینت دوست

حضرت امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرمایند: «صَحْبٌ مَنْ تَتَرَّيْنُ بِهِ وَ لَا تَصْحَبُ مَنْ يَتَرَّيْنُ بِكَ» (27) «با کسی دوستی کن که زینت تو باشد، نه اینکه تو برای او زینت باشی.»

و: متعادل

در حدیث جالبی که جنبه ی کاربردی بسیاری دارد، امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «إِذَا كَانَ لَكَ صَدِيقٌ فَوَلِّهِ وَلَايَةً - فَأَصْبَتْهُ عَلَى الْعُشْرِ مِمَّا كَانَ لَكَ عَلَيْهِ قَبْلَ وَلَايَتِهِ - فَلَيْسَ بِصَدِيقٍ سَوَاءٍ» (28) «اگر دوستی داری و به منصبی رسید و یکدهم آنچه را که پیشتر برایت منظور میداشت، منظور کرد، دوست بدی نیست»

ز: آینه صفت

امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرماید: «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي» (29) «بهترین دوستان من کسی است که عیبهای مرا به من هدیه دهد». و نیز ایشان می فرمایند «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ هُوَ عَيْنُهُ وَ مِرَاتُهُ وَ دَلِيلُهُ لَا يَخُونُهُ وَلَا يَخْدَعُهُ وَلَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَكْذِبُهُ وَلَا يَغْتَابُهُ» (30) «مسلمان برادر مسلمان است، چشم و آینه و دلیل او نیست، او را خدعه و ظلم و کذب و غیبت نکند».

ح: مفید

امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

«الْجُلَسَاءُ ثَلَاثَةٌ جَلِيسٌ تَسْتَفِيدُ مِنْهُ فَالْزَمَهُ وَ جَلِيسٌ تُفِيدُهُ فَافْكِرْهُ وَ جَلِيسٌ لَا تُفِيدُ وَلَا تَسْتَفِيدُ مِنْهُ فَاهْرُبْ عَنْهُ» (31)

همنشینان سه گونه اند: همنشینی که از او بهره مند می شوی پس همواره نزد وی باش و همنشینی که به او بهره می رسانی پس او را گرمی دار! و همنشینی که نه از او بهره می ببری و نه به او بهره می رسانی، پس از او بگریز.

ی: توجه کننده به نیازها

در حدیثی از امام علی (علیه السلام) آمده است: «إِنَّ أَحَاكَ حَقًّا مَنْ غَفَرَ زَلَّتْكَ وَ سَدَّ خَلَّتْكَ وَ قَبِلَ عُذْرَكَ وَ سَتَرَ عَوْرَتَكَ وَ نَفَى وَجَلَكَ وَ حَقَّقَ أَمْلَكَ» (32) «همانا دوست حقیقی تو کسی است که ببخشد لغزش تو را، و برطرف نماید حاجت تو را، و قبول کند عذر تو را، و بپوشاند عورت تو را، و برطرف کند ترس تو را، و بر آورده کند آرزوی تو را».

ک: پایبند به دوستی/دوست راستین

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «لَا يَحُولُ الصَّدِيقُ الصَّدُوقُ عَنِ الْمَوَدَّةِ وَ إِنْ جُفِيَ» (33) «دوست واقعی، اگر به او جفا کنی، باز هم پشت به دوستی نمی کند». و در جای دیگر می فرماید: «مِنَ النِّعَمِ الصَّدِيقُ الصَّدُوقُ» (34) «یکی از نعمت های خداوند، دوست راستین است».

ل: متدین

پیامبر اکرم (صلوات الله علیه وآله) در این باره می فرماید: «مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدِّينِ شَرَفُ الدُّنْيَا وَ آخِرَةُ» (35) «دوستی با اهل دین، شرف دنیا و آخرت است».

م: یاری کننده در طاعت پروردگار

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «نِظَامُ الْمَرْوَةِ فِي مُجَاهَدَةِ أَخِيكَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَصَدِّهِ عَنْ مَعَاصِيهِ وَأَنْ يُكْثِرَ عَلَى ذَلِكَ مَلَأَمَهُ» (36) «نظام جوانمردی اینست که در راه اطاعت پروردگار با برادرت جهاد کنی [او را به اطاعت پروردگار بخوانی] و از معصیت خدا، او را باز داری و اگر چه از تو ناخرسند شود.»

ن: بُردبار

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «نِعْمَ قَرِينُ الْحَلِيمِ الصَّمْتُ» (37) «بهترین دوستان، کسی است که بردبار و خاموش [از سخن بی جا] باشد.»
ناگفته نماند که انسان حلیم، خود دارای جاذبه است و معمولاً انسانهای بردبار بیشتر از انسانهای نا شکبیا دوست و رفیق دارند.

س: قدر شناس

امام حسن عسکری (علیه السلام) در رابطه ی با دوستی با انسان قدر شناس و سپاس گزار، می فرمایند: «خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ نَسِيَ ذَنْبَكَ وَ ذَكَرَ إِحْسَانَكَ إِلَيْهِ» (38) «بهترین دوستان تو کسی است که بدی های تو را فراموش کرده و خوبی های تو را یاد داشته باشد.»

ع: همفکر

از خصوصیات دوست مناسب، همفکر بودن است. همفکری باعث می شود بسیاری از اختلافات، که به اصل دوستی ضربه می زند، به وجود نیاید. لذا امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «الصَّاحِبُ كَالرُّقْعَةِ فَاتَّخِذْهُ مُشَاكِلًا» (39) «دوست مانند پینه ی لباس است؛ پس برای خودت پینه ای هم شکل [دوستی همفکر] پیدا کن»

فصل چهارم:

چه کسانی شایسته ی دوستی نیستند؟

الف: کافر و مشرک

امام صادق (علیه السلام) در رابطه ی دوستی با کفار و مشرکین می فرمایند: «مَنْ أَحَبَّ كَافِرًا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَ كَافِرًا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ ثُمَّ قَالَ ع صَدِيقُ عَدُوِّ اللَّهِ عَدُوٌّ لِلَّهِ» (40) «هر که کافری را دوست بدارد خدا را دشمن داشته و هر که کافری را دشمن دارد خدا را دوست داشته؛ سپس فرمود دوستِ دشمنِ خدا، دشمنِ خداست.»

ب: فاسق

امام علی (علیه السلام) در زمینه ی دوستی با فسّاق می فرمایند: «مِنْ أَعْظَمِ الْحُمَقِ مُوَآخَاةُ الْفُجَّارِ» (41) «از بزرگترین حماقت ها، دوستی کردن با فاسقان است.»

ج: جاهل

امام علی (علیه السلام) در این باره می فرمایند: «مَنْ جَالَسَ الْجَهَّالَ فَلَيْسَتْ عِدَّةٌ لِلقِيلِ وَالْقَالَ» (42) «کسی که با جاهلان همنشینی کند، مستعدّ هر گونه حرفی است. [در موضع تهمت است]»

د: دروغگو

امام علی (علیه السلام) در رابطه ی با دوستی با دروغگو می فرمایند: «جَنَّبِ مُصَاحَبَةَ الْكَذَّابِ فَإِنْ اضْطُرَّزَتْ إِلَيْهِ فَلَا تُصَدِّقْهُ وَلَا تُعَلِّمَهُ أَنَّكَ تُكَذِّبُهُ فَإِنَّهُ يَنْتَقِلُ عَنْ وُدِّكَ وَلَا يَنْتَقِلُ عَنْ طَبْعِهِ» (43) «از دوستی با دروغگو بپرهیز و زمانی که به تو احتیاج پیدا شد، تصدیقش مکن و او را از اینکه تکذیبش می کنی با خبر مکن پس او از دوستی رویگردان می شود ولی از دروغگویی رویگردان نمی شود.»

هـ: شرور

جواد الائمه، امام محمد تقی (علیه السلام) در این باره می فرمایند: «إِيَّاكَ وَ مُصَاحَبَةَ الشَّرِيرِ فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوقِ يَحْسُنُ مَنْظَرُهُ وَيُفْجِحُ أَثَرُهُ» (44) «از همنشینی با شرور بپرهیز کن، زیرا او مانند شمشیر برهنه ای است که منظره اش زیبا ولی اثرش زشت است.»

و: چاپلوس

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «لَا تَصْحَبِ الْمَائِقَ فَيُزَيِّنَ لَكَ فِعْلَهُ وَيَوَدُّ أَنَّكَ مِثْلُهُ» (45) «با چاپلوس رفاقت مکن که او با چرب زبانی تو را اغفال میکند، کار ناروای خود را در نظرت زیبا می نماید و دوست دارد که تو نیز مانند وی باشی.»

ز: حسود

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «الْحَاسِدُ يُظْهِرُ وُدَّهُ فِي أَقْوَالِهِ وَ يُخْفِي بُغْضَهُ فِي أَعْمَالِهِ فَلَهُ اسْمُ الصَّدِيقِ وَ صِفَةُ الْعَدُوِّ» (46) «حسود، دوستی اش را در سخنانش ظاهر می کند و کینه اش را در اعمالش مخفی می سازد. پس او به نام، دوست و به صفت، دشمن است»

ح: بی وفا

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «لَا تَمْنَحَنَّ وُدَّكَ مَنْ لَا وَفَاءَ لَهُ» (47) «دوستی ات را نثار آن که وفا ندارد، مکن.»

ط: بی مبالات / لا ابالی

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «انْظُرْ إِلَى كُلِّ مَا لَا يَعْنيكَ مَنْفَعَةٌ فِي دِينِكَ فَلَا تَعْتَدَنَّ بِهِ وَلَا

تَرْغَبَنَّ فِي صُحْبَتِهِ فَإِنَّ...» (48) «به کسی که منفعت دینی تو را در نظر نمی‌گیرد نزدیک مشو، و

علاقه‌ای به دوستی با او نشان مده...»

ی: فرومایه و بدنام

امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «مَنْ جَالَسَ الْعُلَمَاءَ وَقَرَّ وَمَنْ خَالَطَ الْأَنْدَالَ حَقَّرَ» (49)

«هرکس با علماء نشست و برخاست کند بزرگ داشته می‌شود و هر کس با فرومایگان در هم

آمیزد [دوستی کند] کوچک شمرده می‌شود.»

ک: عیب جو

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «يَاكَ وَمُعَاشِرَةَ مُتَتَّبِعِي عُيُوبِ النَّاسِ فَإِنَّهُ لَمْ يَسْلَمْ مُصَاحِبُهُمْ [مُصَاحِبُهُ

مِنْهُمْ] مِنْهُمْ» (50) «دوری کن از دوستی با جمعی که دنبال عیب‌های مردم می‌روند، پس به درستی که

سلامت نمی‌ماند دوست ایشان از ایشان.»

ل: سخن چین

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «حَذَرُ مِنَ النَّاسِ ثَلَاثَةَ الْخَائِنِ وَالظَّالِمِ وَالنَّمَامِ لِأَنَّ... مَنْ نَمَّ

إِلَيْكَ سَيُنِمُّ عَلَيْكَ» (51) «از رفاقت سه گروه بر حذر باش. خائن، ستمکار و سخن‌چین، زیرا... کسی که

از دگران نزد تو نَمّ می‌کند به زودی از تو نزد دگران نَمّ می‌خواهد کرد.»

م: حق‌نشناس

پیامبر اعظم (صلوات الله علیه وآله) می‌فرماید: «لَا خَيْرَ لَكَ فِي صُحْبَةِ مَنْ لَا يَرَى لَكَ مِثْلَ الَّذِي يَرَى

لِنَفْسِهِ» (52) «کسی که به حقوق او توجه داری ولی او به حقّ تو توجه ندارد رفیق خوبی نخواهد بود و

برای دوستی شایستگی ندارد.»

ن: خائن

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «حَذَرُ مِنَ النَّاسِ ثَلَاثَةَ الْخَائِنِ وَالظَّالِمِ وَالنَّمَامِ... لِأَنَّ مَنْ خَانَ لَكَ

خَانَكَ وَ...» (53) «از دوستی با سه گروه بر حذر باش. خائن، ستمکار و سخن‌چین... زیرا کسی که روزی

به نفع تو خیانت می‌کند روز دیگر به ضرر تو خیانت خواهد کرد.»

س: دنیا پرست

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «خُاطِئَةُ أَنْبَاءِ الدُّنْيَا رَأْسُ الْبُلُوَى وَفَسَادُ التَّقْوَى» (54) «دوستی با دنیا

پرستان، آغاز گرفتاری و باعث فساد تقوا می‌شود.»

فصل پنجم:

بایدهای دوست یابی

الف: شناخت دوست

پیامبر اکرم (صلوات الله علیه وآله) در این باره می فرمایند:

« إِذَا آخَى أَحَدُكُمْ رَجُلًا فَلْيَسْأَلْهُ عَنِ اسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَقَبِيلَتِهِ وَمَنْزِلِهِ فَإِنَّهُ مِنْ وَاجِبِ الْحَقِّ وَصَافِي الْإِيخَاءِ وَإِلَّا فَهِيَ مَوَدَّةٌ حَمَقَاءَ » (55) «چون با کسی دوست شدید باید از نام و نژاد و نام پدر و قبیله و منزلش بپرسید که این حقی است واجب و صفای در دوستی است، و گرنه اینچنین دوستی، دوستی احمقانه ای است.»

ب: آزمودن دوست

اگر کسی شخصی را بدون آزمایش و امتحان به عنوان دوست انتخاب کند، همیشه این نگرانی را دارد که مبادا آن دوست، در واقع دشمن باشد و قصد مال، ناموس و یا دین او را کرده باشد. امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «مَنْ اتَّخَذَ أَخًا مِنْ غَيْرِ اخْتِبَارِ الْجَاهِ الْإِضْطِرَارُ إِلَى مُرَاقَقَةِ الْأَشْرَارِ» (56) «کسی که بدون آزمایش، دوستی را انتخاب کند، ضرورت ها، وی را وادار به رفاقت با اشرار می کند.»

ج: احتیاط در رفتار با دوست

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «هَا تَتَّقَنَ بِأَخِيكَ كُلَّ الثَّقَةِ فَإِنَّ صَرْعَةَ الْإِسْتِزْسَالِ لَنْ تُسْتَقَالَ» (57) «اعتماد تمام به دوست خود نداشته باش زیرا سقوط، به واسطه ی اعتماد بی جا، بهانه ای نیست که پذیرفته شود.»

فصل ششم:

نبایدهای دوست یابی

الف: دوستی بر پایه ی نفاق، هرگز!

رسول خدا (صلوات الله علیه وآله) می فرمایند:

«ثَلَاثَةٌ لَا يُنْظَرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ الْمُرْخِي ذَيْلُهُ مِنَ الْعُظْمَةِ وَالْمُرْكَي سَاعَتُهُ بِالْكَذِبِ وَرَجُلٌ اسْتَقْبَلَكَ بَوْدٌ صَدْرِهِ فَيُؤَارِي وَ قَلْبُهُ مُمْتَلِئٌ غِشًّا» (58)

خدا در روز قیامت به سه کس نظر لطفی ندارد و آنها را پاکیزه نسازد و عذاب دردناکی برایشان خواهد بود؛ کسی که از سر تکبر، دنباله ی جامه اش را بلند می کند، و آنکه به دروغ کالای خود را بی عیب معرفی کند، و آنکه با تو دوستانه بر خورد کند و در حالی که قلبش لبریز از فریب است.

ب دوستی بر پایه ی طمع، هرگز!

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «كُلُّ مَوَدَّةٍ عَقَدَهَا الطَّمَعُ حَلَّهَا الْيَأْسُ» (59) «هر دوستی و مودّتی که طمع ، پدیدش آورد ، نومیدی از میانش می برد.»
و در جای دیگر می فرمایند: «مَنْ وَادَّكَ لِأَمْرِ وَلِيٍّ عِنْدَ انْقِضَائِهِ» (60) «هر که برای کاری با تو دوستی کند با بر آورده شدن حاجتش، از تو روی خواهد گرداند.»

نتیجه

بعد از تحقیق و بررسی آیات و روایاتِ مسأله ی دوست یابی ، روشن می شود که دوستی یک ضرورت انکار ناپذیر برای دنیا و آخرت انسان است و باید بر دو اصل استوار گردد: 1) برای خدا باشد. 2) بر مبنای اصلاح و کمال باشد.

کسانی که شایسته ی دوستی هستند عبارتند از انسان های: همفکر ، قدر شناس ، بردبار ، یاری کننده در طاعت پروردگار ، متدین ، پایبند به دوستی ، توجه کننده به نیازها ، مفید ، آینه صفت ، متعادل ، زینتِ دوست ، عاقل ، نصیحت کننده ، عالم ، مؤمن .

کسانی که لایق دوستی نیستند نیز عبارتند از: کافر و مشرک ، فاسق ، جاهل ، دروغگو ، شرور ، چاپلوس ، حسود ، بی وفا ، بی مبالا ، فرومایه و بدنام ، عیب جو ، دنیا پرست ، حق شناس ، خائن ، سخن چین.

در قبل از دوستی باید دوست را شناخت و او را آزمایش کرد و هنگامی که او را برای دوستی انتخاب کرد ، احتیاط در رفتار و گفتار را در پیش بگیرد. اگر کسی به خاطر طمع و یا از روی نفاق و دو رویی با کسی دوستی کند مأیوس خواهد شد و خداوند نظر رحمتش را از او بر خواهد گرداند.

پی نوشت ها

- (1) عبد الواحد ، تمیمی آمدی ، غررالحکم و دررالکلم : قم ، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ، 1366 هـ ش ص 431
- (2) علی اکبر ، دهخدا ، لغتنامه دهخدا : تهران ، دانشگاه تهران ، چاپ دوم از دوره جدید ، 1377 هـ ش ج 8 ، ص 11244
- (3) عبدالواحد، تمیمی آمدی، همان ، ص 153
- (4) عبدالحمید، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت ، دار إحياء التراث العربی ، چاپ دوم 1385 هـ ق ج 20، ص 272
- (5) آل عمران ، 103
- (6) محمدابن حسین، سید رضی، نهج البلاغه، قم ، هجرت ، 1414 هـ ق ، حکمت 12
- (7) عبدالواحد تمیمی آمدی، همان، ص 262
- (8) روم ، 21
- (9) ابن شعبه، حرّانی ، تحف العقول عن آل الرسول (ص): قم ، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، چاپ دوم ، 1404 هـ ق ، ص 37
- (10) محمد ابن علی، شیخ صدوق ، صفات الشیعه ، تهران ، أعلمی ، 1362 هـ ق ، ص 6
- (11) دیوان سعدی
- (12) فضل بن حسن، شیخ طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف ، حیدریه ، 1385 هـ ق ، ص 187
- (13) ابوالقاسم ، پاینده، نهج الفصاحه ، تهران ، دنیای دانش ، چاپ چهارم ، 1382 هـ ش، ص 238

- (14) عبد الواحد، تميمي آمدی، همان، ص 154
- (15) محمد ابن علی، شیخ صدوق، مصادقه الإخوان، قم، کرمانی، 1402 هـ ق، ص 46
- (16) عبد الواحد، تميمي آمدی، همان، ص 423
- (17) همان، ص 422
- (18) محمد باقر، مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار: تهران، اسلامیه، بی تا، ج 44، ص 329
- (19) عبد الواحد، تميمي آمدی، همان، ص 415
- (20) حسن ابن شعبه، حرانی، همان، ص 366
- (21) آل عمران، 28
- (22) محمد ابن علی، شیخ صدوق، الأمالی، بیروت، أعلمی، 1400 هـ ق، ص 37
- (23) عبد الواحد، تميمي آمدی، همان، ص 430
- (24) حسن، دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، شریف رضی، 1412 هـ ق، ج 1، ص 13
- (25) عبد الواحد، تميمي آمدی، همان، ص 424
- (26) یعقوب، کلینی، الکافی: تهران، اسلامیه، چاپ دوم، 1362 هـ ش، ج 1، ص 12
- (27) محمد ابن علی، شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1404 هـ ق، ج 2، ص 278
- (28) محمد باقر، مجلسی، همان، ج 71، ص 176
- (29) حسن ابن شعبه، حرانی، همان، ص 366
- (30) محمد ابن یعقوب، کلینی، همان، ج 2، ص 166
- (31) محمد باقر، مجلسی، همان، ج 1، ص 203
- (32) عبد الواحد، تميمي آمدی، همان، ص 421
- (33) همان، ص 424
- (34) همان، ص 423
- (35) محمد بن علی، ابن بابویه قمی، (شیخ صدوق)، أمالی الصدوق: بیروت، أعلمی، 1400 هـ ق، ص 60
- (36) عبد الواحد، تميمي آمدی، همان، ص 422
- (37) همان، ص 216
- (38) محمد باقر، مجلسی، همان، ج 75، ص 379

- (39) عبد الواحد، تمیمی آمدی، همان، ص 423
- (40) محمد بن علی، ابن بابویه قمی، (شیخ صدوق)، همان ص 605
- (41) محمد حسین، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن: قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، 1417 هـ ق، ج 1، ص 144
- (42) عبد الواحد، تمیمی آمدی، همان، ص 432
- (43) همان، ص 433
- (44) محمد باقر، مجلسی، همان، ج 71، ص 198
- (45) عبد الواحد، تمیمی آمدی، همان، ص 432
- (46) همان، ص 301
- (47) همان، ص 418
- (48) محمد بن حسن، حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشرعیه، قم، آل البيت، 1409 هـ ق، ج 12، ص 24
- (49) ابوالفتح، کراچکی، کنزالفوائد، قم، دارالذخائر، 1410 هـ ق، ج 1، ص 319
- (50) عبد الواحد، تمیمی آمدی، همان، ص 433
- (51) حسن ابن شعبه، حرانی، همان، ص 316
- (52) محمد باقر، مجلسی، همان، ج 71، ص 198
- (53) حسن ابن شعبه، حرانی، همان، ص 316
- (54) عبد الواحد، تمیمی آمدی، همان، ص 137
- (55) محمد باقر، مجلسی، همان، ج 71، ص 166
- (56) عبد الواحد، تمیمی آمدی، همان، ص 416
- (57) محمد ابن یعقوب، کلینی، همان، ج 2، ص 672
- (58) محمد باقر، مجلسی، همان، ج 72، ص 211
- (59) ورّام، ابن أبی فرّاس، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورّام): قم، مكتبة فقيه، بی تا. ج 1، ص 72
- (60) عبد الواحد، تمیمی آمدی، همان، ص 418

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.